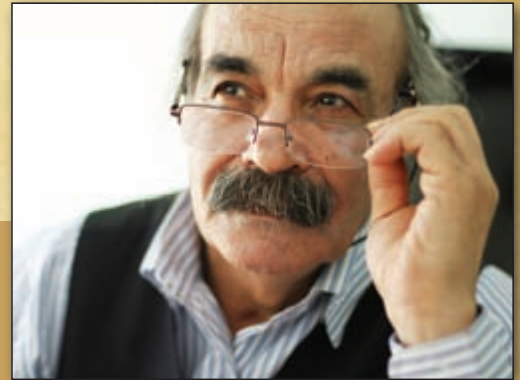


روزها را بنام گذاریم تا بماند یادگار



مرحوم ادیب نیشابوری سالی یک روز، طلبه های مدرسه ملاجعفر مشهد را بر می داشت و با خود به نیشابور می برد، و آن روز در باغ ادیب همه مهمان انگور بودند. و بدین سبب سالها این روز به نام یوم الاناگیر (روز انگور) بین طلبه های مشهد معروف شده بود: روایت شیخ عبدالله نورانی از طلاب قدیم مدرسه ملاجعفر، و استاد فاضل امروز

فراروی و رشد وزایش بسیار داشته است. شاهد مثال موضوع تجارب شخصی اینجانب است که در بدایت ورود به صنعت در سال ۱۳۳۲ سهم صنعت در درآمد ناخالص ملی ۰/۸ درصد بود و اکنون ۲۲ درصد شده است که این حاصل زحمات بسیاری بوده است و دور از انصاف است که زحمات و تلاشهای برنامه ریزان، دولتمردان، صنعتگران اعم از آنانکه در گذشته اند و یا در قید حیاتند را نادیده بگیریم و حق شناس نباشیم.

پس از سالیان متمادی و توجه پایه ای به کشاورزی، سرانجام صنعت بعنوان محرکه و لوکوموتیو اقتصاد کشور شناخته و نخبگان بر آن اجماع کردند. این همگرایی نتایج نیکویی در بر داشته است و هرقدر این باور فراگیرتر شود رسالت ما صنعتگران افزونتر می گردد. خاصه در شرایط این زمانه و رویارویی جهان با بحرانهای رنج آور روز که ناخودآگاه تاثیرات ناپسند و تلخ آن در کشور عزیز و بیگناه ما نیز اثرگذار شده است. چرا که هرگاه نگرش منصفانه داشته باشیم نمی توانیم رکود اقتصاد جهانی و بحران های حاکم بر آن را ناظر باشیم و تاثیر آن را بر مرادفات خود با جهان بی اثر انگاریم.

همه آگاهند که ما شصت سال است که از نعمت برنامه ریزی برخورداریم و همین برنامه ریزی برای ما دستاوردهای بسیاری در بر داشته است از آن جمله است: توسعه و گسترش نیروی برق و گازرسانی در تمامی کشور، اداره صنعت، نفت و پتروشیمی بدست متخصصان مهندسان،

داری روز بافندگی، روز داروسازی و روزهای دیگر مگر در آویزه های ما نبوده که

نام نیکوگر بماند آدمی

به کزو ماند سرای زرنگار

در فرهنگ و ارشاد خودمان بخشی هست بنام اداره کل مطبوعات و حوزه معاونتی دارد به همین نام آنجا که بدون هیچ چشم داشتی از بام دادان تا شامگاهان در خدمت اند چه شود اگر که روزی را بنام مطبوع و اهل قلم بنامیم تا بتوانیم جراید نشر و امثالهم در سویی و تلاش گران وزارت در سوی دیگر بدین روز عیدی کنند و عیدی دهند و عیدی گیرند. جهت امر در این یادنامه بزرگ مرد صنعت و دل سوخته ای چون استاد خلیل عراقی مشهود است با هم بخوانیم:

اندیشه یک صنعتگر: در مسیر «نو» شدن!

در سال ۱۳۷۶ اولین «روز صنعت» توسط اینجانب و یاران صنعتگر بزرگوام پایه گذاری و تاکنون همه ساله مراسمی در این روز یعنی دهم تیر برگزار و پس از بحث و بررسی در خصوص عملکرد یکساله صنعت کشور نقطه نظرات مجموعه صنعتگران در قالب بیانیه هایی عنوان شده است که بدون شک در حد امکان دربرگیرنده دیدگاه های جامعه صنعتی بوده و در ارتقاء گفتمان صنعتی کشور و همدلی دولت و بخش خصوصی در یافتن راهکارهای حل مشکلات در حد خود موثر بوده است. به هر حال صنعت کشور نشان داده است قابلیت

این روز را آوردم که بیاد آید سنت ماندگار در یادآوری مکرر که در سالی ماه است و ما را دور از وظیفه نمی دارد. اجازه می خواهد بدون حاشیه به اصل موضوع بپردازیم کشور ایران به هر دلیل که آورند از دوره رنسانس بدور مانده و مادر چرخه پیشینان چرخیدیم از هدیه فرنگیان به دربار شاه عباس با خبریم و از تسلیحات نادر در هند مطلع، چه شد که سماورساز اصفهانی را در دوره بعد از امیرکبیر به سلاخ خانه فرستادیم. در تجارت هزاران سال پیش جاده ابریشم کشیدیم تا کاروانیان در بلاد آسوده روند. در دریانوردی به شهادت تاریخ یگان دریایی ما در جنگ با رومیان از مجهزترین ها بود و نقل شاهنامه برای تسخیر فضا توسط عقاب بر صحنه هنوز شنوندگان بسیار می دارد با این پیشینه چرا و به چه علت نمی خواهیم یک روز داشته باشیم همانند روز انگوریه.

صنعت خودرو ما می رود که قاره بزرگ آسیا را تسخیر کند سر به آمریکای جنوبی و آفریقا هم کشیده در جاده آزادگان تهران بچه های خوب ایران خودرو دیزل دست از آستین همت بیرون کشیده و نقل و نقل عالم و آدم شده اند و مهندس یکه زارع آن کرده که صنعت گر بروجردی با سماور نیک کالای خود هدیه به امیرکبیر داد و تفنگ انگلستان به شاه عباس و زرادخانه نادری در هند برای سربلندی ایران در رزم ما، چرا تولد این بچه مسلمان یا پوستین دوز در سایا و یا تولد یک صنعت ملی را به روز شناسیم. در همین باب روز بانگ



آن چیزی را که مجموعه ای از قواعد، عادات، هنجارهای رفتاری پذیرفته شده است که در سایه آنها تعامل افراد با یکدیگر تسهیل و کم هزینه و پیش بینی پذیر می شود را ارتقاء دهیم تا امر توسعه امکان پذیر باشد. عزیزان، رابطه سرمایه اجتماعی و خودفزاینده است. در فقدان این رابطه، اقتصاد ما در اصل هم افزایی و سینرجی برخوردار نخواهد بود که متأسفانه بعضاً نیز چنین شده است. بعنوان مثال در حوزه اقتصاد چاره ای جز جهاد ملی از طریق تدوین استراتژی های نوین برای سه بخش صنعت و معدن، کشاورزی و خدمات و ایجاد هم افزایی و سینرجی بین این بخش ها از طریق استراتژی تلفیقی با تعامل و همکاری و همدمی بخش خصوصی با دولت و قوه مقننه و نیز مشارکت موثر و فراگیر جامعه علمی، تخصصی و کارشناسی و همچنین تجارب حاصل از اجرای پنج برنامه قبل از انقلاب اسلامی و چهار برنامه بعد از انقلاب نداریم.

با توجه به پارادایم ذکر شده یعنی صلح و آشتی و همدمی و الگوی توسعه پیشنهادی یعنی هم افزایی بخش های مختلف اقتصادی بنظر می رسد در شرایط زمانی و مکانی حاضر در چارچوب سیاست نوین صنعتی ای امکان پذیر است که با مولفه های راهبری دولت، محوریت بخش خصوص، بازار رقابتی صادرات و حضور در بازارهای جهانی (علیرغم خالی واحدهای تولیدی را بعنوان یک راهبرد اجرایی هدفگیری نماید. راه توسعه چنانکه گفته شد نگاهی دوستانه و انسانی و مبتنی بر اخلاق و پرهیز از ستیز و رویارویی است و محور این حرکت عشق است و الگوی عینی و تاریخی آن حماسه های جنگ تحمیلی و سرافراز بیرون آمدن از این آزمون دشوار تاریخی است. امید است که چنین شود و شاهد پیشرفت و توسعه بیش از پیش کشور عزیزمان باشیم.

استفاده از آب سلامت در پهنای سرزمینمان، برخورداری از جاده و راه آهن در گستره وسیع کشور، تحقق پذیر شدن برخورداری از تولید فولاد، سیمان و سایر صنایع مهم و اساسی در حدی قابل قبول و موثر، اشاعه بهداشت در کل کشور و ارتقاء امید به زندگی از ۴۰ به ۷۰ سال و از همه مهمتر ارتقاء کمی و کیفی سوادآموزی و تحصیلات دانشگاهی. مزایای پیش گفته مانند هر جامعه در حال گذار دیگری جمعیت را در دوره ای بشدت فزونی داد. لذا طبیعی است که مسئله کمبود منابع و نیازهای بالای اشتغال بعنوان مسائل اساسی در کشور طرح و به سبب سرایت بحران های جهانی این مشکلات افزون شود. با عنایت به شرایط، چه خوب است از تجارب خود استفاده کنیم و برای برنامه ریزی ها شیوه های منسجم تر و متکامل تری را در پیش بگیریم. همانگونه که در توقف قانون حفاظت از صنایع، ابلاغ سیاست های اصل ۴۴، سیاست های کلی نظام در بخش های مختلف و بخصوص صنعت و معدن قانون تعدیل مالیات ها و قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار و... مدیون دستورات مقام معظم رهبری بوده ایم، حق شناسی حکم می کند که پیام امسال معظم له دایر بر تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی را صمیمانه تجلیل نماییم و اینگونه نگرش را ضرورت تدوام و تحول در مسیر توسعه و نجات اقتصاد ملی بدانیم. اعتقاد داریم در همین رهگذر و ملهم از آنچه گذشته، لازم است نگرشی نوین و اصطلاحاً تغییر پارادایم را بپذیریم که ذیلاً به آن اشاره می کنیم:

من کهنسال به این باور رسیده ام که اشکال در نگاه ما تغییر دهیم و در این تغییر الگو ذهنی و رفتار عینی خود را و پروردگار هستی انسان دوستی را محور قرار دهیم. عشق به هموع، دوستی و آشتی و به تعبیری هوش هیجانی و هوش اخلاقی باید در کارهایمان الگو باشد یا بعبارتی باید از سرمایه اجتماعی برخوردار شویم و آنرا پاس بداریم. یعنی